

## موضوعات «مسئولیت بین المللی دولت» در دیوان بین المللی دادگستری

روزالین هیگینز\*  
ترجمه: امیر مقامی

مسائل و موضوعات مربوط به مسئولیت بین المللی دولت، توجه هر دو نهادی قضایی اصلی بین المللی (دیوان دائمی دادگستری بین المللی و دیوان بین المللی دادگستری) را به خود معطوف نموده است. هر دانشجوی حقوق می داند که عبارت «مسئولیت دولت» در هر سؤال امتحانی باید با ارجاع به قضیه «کارخانه در کوروزوف»<sup>۱</sup> پاسخ داده شود. می توان گفت موضوعات و مسائل مربوط به مسئولیت دولت نزد دیوان در سه دسته عمده قابل دسته بندی است. نخست این که آیا واقعا اقدامات مربوطه (مطرح در هر قضیه) موجب مسئولیت دولت ذریط است؟ دوم این که اگر دولت خوانده جهت یک عمل متخلفانه بین المللی مسئول باشد، جبران خسارت مناسب چیست؟ سومین مبحث که اخیراً بیشتر مطرح شده این است که در هر قضیه خاص، چه رابطه ای میان حقوق حاکم بر مسئولیت دولت<sup>۲</sup> و دیگر مقررات ماهوی حاکم وجود دارد؟ در رأی ۱۰ دسامبر ۲۰۰۲ در قضیه مرز زمینی و دریایی میان کامرون و نیجریه (کامرون علیه نیجریه)<sup>۳</sup> جنبه چهارمی از حقوق مسئولیت بیشتر مورد توجه قرار گرفت؛ گرچه آن قضیه اصولاً مرتبط با مسائل سرزمینی بود.

این مقاله ابتدا به سه دسته نخست مسائل می پردازد و اشاراتی نیز به مبحث اخیر خواهد داشت. پیش از آن باید به ملاحظات کلی درخصوص مسئولیت دولت توجه نمود: از اوایل ۱۹۷۰ احکام متناوبی که دیوان در زمینه مسئولیت دولت صادر نمود، فرصتی را برای اظهارنظرهای مکرر بر خلاف زمینه های کار کمیسیون حقوق بین الملل<sup>۴</sup> ایجاد نمود. البته این اظهارنظرها که اخیراً به حداعلی رسیده است در نهایت مؤثر بوده و در جامعه

\* رئیس و قاضی سابق دیوان بین المللی دادگستری

<sup>1</sup> Factory at Chorzów case, Jurisdiction, 1927, PCIJ, Series A, No 9; Merits, 1928, PCIJ, Series A, No 17.

<sup>۲</sup> منظور از حقوق حاکم بر مسئولیت، قواعد ثانویه است؛ یعنی شرایطی عام که طبق حقوق بین الملل، دولت، مسئول فعل یا ترک فعل متخلفانه خود و نتایج قانونی ناشی از آن می باشد. این حقوق، محتوای تعهدات بین المللی که نقض آن موجب مسئولیت دولت می شود را تعریف نمی کند. آنچنان که آگو می گوید «تعریف قاعده و محتوای تعهد ناشی از آن و تعیین این که آیا آن قاعده نقض شده است یا خیر و این که آثار آن نقض چیست، دو موضوع متمایز از یکدیگرند.» رک: ابراهیم گل، علیرضا، مسئولیت بین المللی دولت، متن و شرح مواد کوانسیون حقوق بین الملل، شهر دانش، ۱۳۸۸، ص ۱۹. م.

<sup>3</sup> Land and Maritime Boundary between Cameroon and Nigeria (Cameroon v Nigeria: Equatorial Guinea intervening), Judgment, 2002; available at <http://www.icj.org/icjwww/idocket/icn/icnframe.htm>.

<sup>4</sup> For the text of the articles and a commentary, see J Crawford, *The International Law Commission's Articles on State Responsibility: Introduction, Text and Commentaries* (Cambridge, 2002). See also the earlier work of S Rosenne, *The International Law Commission's Draft Articles on State Responsibility* (Dordrecht, 1991).

دانشگاهی منجر به نگارش مقالاتی شد و موضوع قطعنامه ۱۲ دسامبر ۲۰۰۱ مجمع عمومی نیز قرار گرفت.<sup>۵</sup> هرچند روابط به هم پیوسته ای بر دیگر تصمیمات اثر گذاشته است.

## ۱ - انتساب رفتار به دولت

دیوان در برخی قضایا بر موضوع انتساب رفتار به دولت متمرکز شده است. در ۴ نوامبر ۱۹۷۹، سفارت ایالات متحده در تهران به وسیله کسانی که دیوان آنان را «ستیزه گر» خواند،<sup>۶</sup> اشغال شد. در پی این واقعه ایالات متحده مدعی شد ایران کنوانسیون روابط کنسولی<sup>۷</sup> و معاهده مودت ۱۹۵۵ میان دو کشور<sup>۸</sup> را نقض نموده است. دیوان دریافت که گرچه حملات به سفارت و کنسولگری ها در روزهای پس از آن «نمی تواند به خودی خود به دولت ایران نسبت داده شود»، اما ایران تعهدات خود مطابق معاهدات کنسولی و دیپلماتیک به خصوص در اتخاذ اقدامات مناسب برای انجام تعهدات اساسی اش را نقض نموده است.<sup>۹</sup> در قضیه فعالیتهای نظامی و شبه نظامی در/علیه نیکاراگوئه (نیکاراگوئه علیه ایالات متحده امریکا)،<sup>۱۰</sup> دیوان معیار کنترل مؤثر را برای تعیین این که اقدامات کنترها قابل انتساب به ایالات متحده هست یا نه، به کار بست البته این معیار به طور مؤثر در قضیه تادیج توسط دادگاه کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق، تعقیب نشد.<sup>۱۱</sup> نمونه دیگری از دسته نخست مسائل مربوط به مسئولیت دولت در رویه دیوان، در قضیه کوماراسوامی مشاهده می شود.<sup>۱۲</sup> در این قضیه دیوان، این قاعده را که «هر رفتار هر یک از ارگانهای دولت باید به عنوان عمل دولت شناخته شود» به عنوان یک قاعده عرفی حقوق بین الملل توصیف نمود و آن را در خصوص تخلف دادگاه های مالزی در بررسی مسأله مصونیت در ابتدای دادرسی به کار بست.<sup>۱۳</sup> این قاعده بعداً در مواد پیش نویس کمیسیون حقوق بین الملل نیز مورد تصریح قرار گرفت.<sup>۱۴</sup>

## ۲ - جبران مناسب و رابطه مسئولیت دولت با صلاحیت

درخصوص جبران خسارت، قبلاً به قضیه کارخانه در کوروزوف اشاره شد. همگان می دانند که حکم مورد تحسین دیوان در این دعوی مبنی بر این است که «یک اصل حقوق بین الملل و حتی یک مفهوم کلی و عام

<sup>5</sup> Resolution adopted by the General Assembly, 85th plenary meeting, 12 Dec 2001. UN Doc: A/RES/56/83.

<sup>6</sup> United States Diplomatic and Consular Staff in Tehran (United States of America v Iran) case, Judgment, ICJ Reports, 1980, p 3 at p 12 (para 17).

<sup>7</sup> Vienna Convention on Consular Relations, done at Vienna on 24 April 1963, entered into force on 19 March 1967.

<sup>8</sup> The Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights between the United States of America and Iran, done at Tehran on 15 Aug 1955, entered into force on 16 June 1957.

<sup>9</sup> *United States of America v Iran* case, above n 5, pp 29–30 (especially para 61).

<sup>10</sup> Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v United States of America) case, Merits, Judgment, ICJ Reports, 1986, p 14 at p 65 (para 115), see also p 62 (Para 109).

<sup>11</sup> *The Prosecutor v Dusko Tadic*, International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia, Appeals Chamber, 15 July 1999 (Case No IT-94-1-A), pp 47–92 (Paras 115–145).

<sup>12</sup> Difference Relating to Immunity from Legal Process of a Special Rapporteur of the Commission on Human Rights, Advisory Opinion, ICJ Reports, 1999, p 62.

<sup>13</sup> *Ibid*, p 87 (para 62).

<sup>۱۴</sup> ماده ۴ پیش نویس طرح مسئولیت دولت. م.

حقوقی این است که هر نقض تعهدی مستلزم تعهد برای جبران است.<sup>۱۵</sup> آنچه در این قضیه کمتر مورد توجه قرار گرفته این است که دیوان نظری را اتخاذ نمود که بعداً در رأی لاگرانند نیز تکرار شد:

«در موردی که دیوان برای بررسی یک قضیه خاص صلاحیت دارد، مبنای صلاحیت جداگانه ای برای رسیدگی به خسارات نقض تعهد از سوی یکی از طرفین ضرورت ندارد.»<sup>۱۶</sup>

با این حال این دیدگاه مجدداً در قضیه لاگرانند، با این دیدگاه که صلاحیت دیوان فقط مبتنی بر کنوانسیون کنسولی است توسط ایالات متحده مورد اعتراض قرار گرفت؛<sup>۱۷</sup> در حالی که تضمینات مورد درخواست آلمان برای عدم تکرار متأثر از حقوق حاکم بر مسئولیت بود. دیوان مجدداً تأیید نمود که هیچ مبنای جداگانه ای برای بررسی جبران مناسب نسبت به یک نقض معین در خصوص کنوانسیون روابط کنسولی ضروری نیست.

در پایان این بحث باید مختصراً به این نکته اشاره نمایم که نه در قضیه لاگرانند و نه در حکم اخیر قضیه مرز زمینی و دریایی میان کامرون و نیجریه (کامرون علیه نیجریه) دیوان، البته در هر قضیه به دلایل متفاوتی، تمایلی به صدور دستور جهت تضمین عدم تکرار نشان نداد.<sup>۱۸</sup>

### ۳- رابطه میان مسئولیت دولت و حقوق ماهوی

دسته سوم مسائل یعنی رابطه میان هنجار قابل اعمال و حقوق مسئولیت دولت، نقش مهمی در قضیه پروژه گابسیکوو-ناگیماروس (مجارستان/اسلواکی) ایفا نمود.<sup>۱۹</sup> مسأله اخیر ناشی از آن است که آیا یک معاهده قانوناً «فقط» از طریق اجرای قواعد ماهوی حاکم بر حقوق معاهدات ممکن است خاتمه پذیرد یا تعلیق شود یا مقررات مسئولیت دولت راجع به رفع وصف متخلفانه (مانند شرایط اضطرار)<sup>۲۰</sup> نیز می تواند اختتام یا تعلیق معاهده را موجه سازد؟ اگر این پرسش ها در آن قضیه پاسخ روشنی نمی یافت، کمیسیون حقوق بین الملل نیز در مواد نهایی طرح خود نمی توانست پاسخ مناسبی ارائه دهد. البته موضوع همچنان مفتوح است.<sup>۲۱</sup>

<sup>15</sup> *Factory at Chorzów case, Merits, 1928, PCIJ, Series A, No 17* at p 29.

<sup>16</sup> *LaGrand (Germany v United States of America) case, Merits, Judgment, 2001*, at para 48; available at: [www.icj-cij.org/icjwww/idocket/igus/igusframe.htm](http://www.icj-cij.org/icjwww/idocket/igus/igusframe.htm); citing *Factory at Chorzów case, PCIJ, Series A, No 9*, p 22.

<sup>17</sup> *LaGrand Case, ibid.*

<sup>18</sup> در هر دو قضیه دیوان دریافت که صدور دستور برای تضمین عدم تکرار ضروری نیست. در قضیه کامرون علیه نیجریه، دیوان اظهار داشت از آنجا که تقاضای کامرون در این خصوص بدون شک قابل قبول است، «رأی، خود برای تعیین شرایط مرز زمینی و دریایی میان دو کشور قاطع و تعیین کننده است. با توجه به همه تردیدها در این زمینه، دیوان نمی تواند با وضعیتی روبرو شود که یک طرف، پس از عقب نشینی و کناره گیری نیروهای نظامی، پلیسی و اداری خود از قلمرو طرف مقابل، به حاکمیت سرزمینی وی تعرض نماید. از این رو نمی توان بر این خواسته کامرون صحنه گذاشت.» (Cameron v. Nigeria, ) (above n 2, Para 128)

در قضیه لاگرانند، دیوان چنین استدلال نمود که اقدامات اتخاذ شده توسط ایالات متحده برای ایجاد برنامه اصلاح و ارتقای آیین دادرسی مطابق تعهدات کنسولی، در قبال تقاضای آلمان برای تضمین عدم تکرار کافی است و می گوید: «دیوان توجه دارد که التزام ابراز شده توسط ایالات متحده برای تضمین اجرای اقدامات ویژه در ایفای تعهداتش مطابق بند ب پاراگراف ۱ ماده ۳۶ کنوانسیون حقوق کنسولی، باید به عنوان پاسخی در برابر درخواست آلمان برای تضمین کلی عدم تکرار لحاظ شود.» (LaGrand Case, above n 15, Para 124)

<sup>19</sup> *Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary/Slovakia) case, Judgment, ICJ Reports, 1997*, p 7.

<sup>20</sup> See further, Ch V of the ILC Articles dealing with 'Circumstances precluding wrongfulness'.

<sup>21</sup> براساس نظر کرافورد «این مواد بر هر گونه فعل متخلفانه بین المللی خواه نقض تعهد ناشی از یک قاعده حقوق بین الملل عام، یک معاهده... یا هر منبع دیگر، اعمال می شوند مگر این که جز این مقرر شود. این مواد موجب اختتام یا لغو تعهد نمی شوند بلکه توجیه یا عذری برای عدم اجرای آن تعهد هستند، مادام که شرایط موردنظر ادامه داشته باشد.» (Crawford, above n 3, p 160)

#### ۴ - دسته چهارم: درخواست حکم جداگانه مسئولیت دولت به عنوان نتیجه حکم به رفتار

##### غیرقانونی

در قضیه مرز زمینی و دریایی میان کامرون و نیجریه (کامرون علیه نیجریه)، دیوان با درخواستهایی جهت صدور حکم مبنی بر مسئولیت دولت روبرو شد.<sup>۲۲</sup> مبنای چنین خواسته هایی طی دادخواست اولیه، دادخواست اضافی و اظهارات پایانی توسعه یافت و تغییر کرد. این درخواستها تاندازه ای نیز غیرمعمول بود چرا که فرض آنها یافته های خاصی بود که دیوان در شرایطی نبود که بخواهد آنها را بپذیرد. اجازه دهید هر یک از این ملاحظات را توضیح دهم.

اختلاف مورد بحث در این قضیه حق مالکیت بر منطقه «باکاسی پنینسولا» در جنوب، محل مرز بین المللی در دریاچه چاد در شمال و خط مستقیم طولانی مرز زمینی در این فاصله بود.

کامرون در دادخواست خود از دیوان نخواست که به این مسأله رسیدگی و اعلام کند که نیجریه به باکاسی پنینسولا تجاوز کرده و در نتیجه مرتکب نقض بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد شده است؛ بلکه کامرون از دیوان خواست تا ضمن رسیدگی قضایی اعلام نماید که باکاسی متعلق به کامرون است. کامرون از دیوان خواست تا حکم کند که نیجریه با استفاده از زور و اشغال نظامی، تعهدات ملازم (با تعلق باکاسی به کامرون) را نقض نموده است.

کامرون از دیوان خواست تا دریابد که این «اقدامات متخلفانه بین المللی... مستلزم مسئولیت نیجریه است.»<sup>۲۳</sup> زمینه های دیگر مسئولیت نیجریه نیز مورد ادعا قرار گرفته بود. همچنین از دیوان خواسته شد تا اعلام نماید که نیجریه «اصل اساسی استحقاق تصرف»<sup>۲۴</sup> را نقض نموده است؛<sup>۲۵</sup> اصلی که معمولاً به عنوان دلیل حقوقی برای نتیجه مورد استدلال قرار می گیرد و نه این که به عنوان یک تعهد بین المللی که نقض آن مستلزم مسئولیت حقوقی بین المللی دولت باشد، توصیف شده باشد. و موضوع دیگری که از دیوان خواسته شده بود این بود که بررسی و اعلام نماید که نیجریه باید فوراً و بدون قید و شرط از نیجریه خارج شود. این خواسته به عنوان پیامد (Consequence) حکم به استحقاق مالکیت قابل برداشت است اما در دادخواست کامرون چنان بیان شده بود که گویی این تکلیف خود به تنهایی در میان تعدادی از گزاره ها به عنوان «یک اقدام متخلفانه بین المللی» و «مستلزم» مسئولیت نیجریه توصیف شده است.<sup>۲۶</sup>

کرافورد بر این نظر است که این نکته در قضیه پروژه گابسیکوو-ناگیماروس (مجارستان/اسلواکی) توسط دیوان مورد تأیید قرار گرفته است. (Ibid)

<sup>۲۲</sup> کلیه آرا و تصمیمات دیوان در پایگاه اینترنتی آن قابل مشاهده است: [www.icj-cij.com](http://www.icj-cij.com)

<sup>۲۳</sup> متن فرانسوی چنین است:

“la responsabilité du Nigeria est engage par...” (Application, Para 20 (e), Memorial, p 670, Para 9.1(g))

<sup>۲۴</sup> Ute possidetis juris

این اصل در خصوص تغییر حاکمیت یک کشور به کار می رود، به ویژه در مورد ایجاد استقلال پس از استعمارزدایی. در واقع، حاکمیت جدید، جایگزین حاکمیت پیشین بر همان قلمرو مرزی می شود. این دکترین اغلب پس از استقلال، مانع تغییر مرزهای کشور مستعمره سابق می شود. م.

<sup>۲۵</sup> Application, Ibid, para 20 (b).

<sup>۲۶</sup> Application, Ibid, para 20 (e).

کامرون در دادخواست اضافی، خواسته های مشابه دیگری نسبت به منطقه مورد اختلاف در بستر دریاچه چاد مطرح نمود، به این معنی که حاکمیت متعلق به کامرون است،<sup>۲۷</sup> نیجریه اصل «استحقاق تصرف» را نقض نموده است،<sup>۲۸</sup> اشغال غیرقانونی بوده است،<sup>۲۹</sup> نیجریه باید عقب نشینی کند،<sup>۳۰</sup> و این که همه اینها اعمال متخلفانه بین المللی هستند که مستلزم مسئولیت نیجریه است.<sup>۳۱</sup> سرانجام، باید توضیح دهم که از دیوان خواسته شد به دلیل «تعدیات مکرر گروه های نیجریه ای و نیروهای نظامی... در تمام مسیر مرز»، مرز را از دریاچه چاد تا دریا «به طور قطعی تعیین نماید.»<sup>۳۲</sup>

با این که مسئولیت نیجریه در خصوص این مرز زمینی طولانی در ابتدا مطرح نشد، اما در زمان پاسخ کامرون مدعی تعدیاتی شد که «اقدام متخلفانه بین المللی... موجد مسئولیت نیجریه» است. ترکیب خواسته های اعلام مسئولیت، قدری دیوان را در وضعیتی پیچیده و مسلماً غیرمعمول قرار داد.

نیجریه به خصوص در مورد باکاسی و مرز زمینی، دعاوی متقابلی را مطرح نمود و متقابلاً از دیوان خواست تا «بررسی و اعلام کند که کامرون در خصوص این ادعاها در برابر نیجریه مسئولیت دارد.»<sup>۳۳</sup>

در نهایت باید توضیح دهم که هم کامرون و هم نیجریه در مورد این ادعاها جلسات استماع بیشتری را تا تعیین مسأله خسارات قابل پرداخت در نظر داشتند. این ادعاها و همینطور ادعاهای متقابل موجب طرح سؤالات متعددی نزد دیوان شد. اجازه دهید با بنیادی ترین این سؤالات بحث را ادامه دهم.

#### ۴ - ۱. ادعاهای مسئولیت دولت در اختلافات سرزمینی

ادعاهای مسئولیت بین المللی دولت چه جایگاهی در قضایای مربوط به تعیین حق مالکیت قانونی سرزمینی دارند؟ نگاهی به دعاوی گذشته که موضوع اصلی آن حق مالکیت سرزمینی بوده نشان می دهد که حکم جداگانه و متمایز نسبت به مسئولیت دولت، امری غیرمعمول نیست. این امر به قدر لازم مورد توجه قرار نگرفته است که هم طرفین اختلاف و هم دیوان، «سنگ بنای» یافته های رسمی موجد مسئولیت دولت خوانده را فراهم نموده اند. به طور کلی دولتها احساس کرده اند که کافی است از دیوان تنها یافته های قانونی را مطالبه کنند و سپس از دیوان بخواهند به عنوان پیامد شناسایی نقض هر تعهد حقوقی، اعلام نماید که جبران های معینی اعم از غرامت و غیر آن باید در نظر گرفته شود. در این زمینه رویه آشکاری وجود دارد؛ از جمله در این قضایا: پروژه گابسیکوو- ناگیماروس (مجارستان/اسلواکی)،<sup>۳۴</sup> صلاحیت ماهیگیری (جمهوری فدرال آلمان علیه ایسلند)،<sup>۳۵</sup> مینکروس و اگریوس،<sup>۳۶</sup> شیلات نروژ،<sup>۳۷</sup> اختلاف سرزمینی (جمهوری عربی لیبی/چاد)،<sup>۳۸</sup> تحدید حدود دریایی و مسائل سرزمینی

<sup>27</sup> Application Additional to the Application instituting proceedings brought by the Republic of Cameroon, above n 20, para 17(a).

<sup>28</sup> *Ibid*, para 17 (b).

<sup>29</sup> *Ibid*, para 17 (c).

<sup>30</sup> *Ibid*, para 17 (d).

<sup>31</sup> *Ibid*, para 17 (e).

<sup>32</sup> *Ibid*, para 17 (f).

<sup>33</sup> Counter-Memorial of Nigeria, pp 834-35, Submissions of Nigeria, para 7: above n 20.

<sup>34</sup> 31 *Gabcikovo* case, above n 17, p 7.

<sup>35</sup> Fisheries Jurisdiction (Federal Republic of Germany v Iceland): Jurisdiction case, Judgment, ICJ Reports, 1973, p 49, Judgment, Merits, Judgment, ICJ Reports, 1974, p 175.

<sup>36</sup> The *Minquiers and Ecrehos* (France/United Kingdom) case, Judgment, ICJ Reports, 1953, p 47.

میان قطر و بحرین (قطر علیه بحرین)<sup>۳۹</sup> که در آن حتی قطر مدعی شد بحرین سرزمینش را «تصرف» نموده است، جزیره کاسیلیکی/سدودو (بوتسوانا/نامی بیا)،<sup>۴۰</sup> اختلاف مرزی (بورکینافاسور/جمهوری مالی)<sup>۴۱</sup> که در آن دستور اقدامات مقدماتی با ارجاع به «حادثه شدید» صادر شد، و نیز قضیه حاکمیت بر پولاو لیتیگان و پولاو سیپیدان (اندونزی/مالزی)<sup>۴۲</sup> که در آن اندونزی، مالزی را به اشغال غیرقانونی این جزایر متهم نمود. تصمیم دیوان در همه این قضایا با آنچه در قضیه مبعد پریه ویهار<sup>۴۳</sup> حکم شد، سازگار است؛ آنجا که دیوان توضیح می دهد که هیچ مبنای صلاحیتی جداگانه ای برای حکم به جبران و تلافی خسارت لازم نیست. در آن قضیه دیوان دریافت که تقاضای حکم به جبران «تلویحاً جزء و پیامد صرف ادعای حاکمیت است.»<sup>۴۴</sup> نه مبنای صلاحیتی جداگانه و نه حکم جداگانه به احراز مسئولیت جهت صدور حکم جبران برای دیوان ضروری نیست و فقط کافی است تا رفتار معینی غیرقانونی باشد.

#### ۲-۴. چه زمانی حکم جداگانه مبنی بر مسئولیت باید درخواست شده باشد؟

در قضیه اخیر دیگری نیز، یعنی قضیه قرار بازداشت مورخ ۱۱ آوریل ۲۰۰۰ (جمهوری دموکراتیک کنگو علیه بلژیک)<sup>۴۵</sup> نیز دیوان نسبت به صدور حکم جداگانه مبنی بر «مسئولیت» تمایل داشت. اما هیچ یافته مشابهی برای صدور حکم بر این که قرار بازداشت باید لغو شود، وجود نداشت بلکه تصمیمی مبنی بر این که بلژیک جهت صدور قرار بازداشت بین المللی محق نبوده است، برای پاسخ به خواسته کنگو کافی بود. پس چه زمانی معمول یا حتی لازم است که حکم جداگانه مبنی بر مسئولیت تقاضا شود؟ به نظر می رسد پاسخ را باید در آن قضایایی جست و جو نمود که نقض تعهدات به عنوان «موضوع اصلی» مطرح شده است؛ و گاهی نیز در قضایایی که «انتساب» رفتار غیرقانونی به یک حکومت موضوع کلیدی است. نمونه بدیهی در این باره، قضیه کانال کورفو است،<sup>۴۶</sup> که کار گذاشتن غیرقانونی مین ها عنصر اصلی پرونده بود. اما حتی در این دسته از قضایا که اغلب مربوط به استفاده از زور هستند، معمول ترین الگوی عمل، تقاضای صدور حکم به نقض یک تعهد معین در کنار تقاضای پرداخت غرامت یا روشهای دیگر جبران است. قضیه لاگران،<sup>۴۷</sup> قضیه الکترونیکاسیکولا (ELSI)،<sup>۴۸</sup> قضیه فعالیتهای

<sup>37</sup> Fisheries case, (United Kingdom v Norway), Judgment, ICJ Reports, 1951, p 116.

<sup>38</sup> Territorial Dispute (Libyan Arab Jamahiriya/Chad) case, Judgment, ICJ Reports, 1994, p 6.

<sup>39</sup> Maritime Delimitation and Territorial Questions between Qatar and Bahrain case, Jurisdiction and Admissibility, Judgment, ICJ Reports, 1994, p 112, Jurisdiction and Admissibility, Judgment, ICJ Reports, 1995, p 6; Merits, Judgment of 16 March 2001, available at: <http://195.195.195.1/icjwww/idocket/iqb/iqbframe.htm>.

<sup>40</sup> Kasikili/Sedudu Island (Botswana/Namibia) case, Judgment, ICJ Reports, 1999, p 1045.

<sup>41</sup> Frontier Dispute (Burkina Faso/Republic of Mali) case, Judgment, ICJ Reports, 1986, p 554.

<sup>42</sup> Sovereignty over Pulau Ligitan and Pulau Sipidan (Indonesia/Malaysia) case, Judgment, 2002; available at [www.icj-cij.org/icjwww/idocket/iinma/iinmaframe.htm](http://www.icj-cij.org/icjwww/idocket/iinma/iinmaframe.htm).

<sup>43</sup> Temple of Preah Vihear (Cambodia v Thailand) case, Merits, Judgment, ICJ Reports, 1962, p 6.

<sup>44</sup> Ibid, p 36.

<sup>45</sup> Arrest Warrant of 11 April 2000 (Democratic Republic of the Congo v Belgium) case, Judgment, 2002, at para 75; available at: [www.icj-cij.org/icjwww/idocket/iCOBE/iCOBEframe.htm](http://www.icj-cij.org/icjwww/idocket/iCOBE/iCOBEframe.htm).

<sup>46</sup> Corfu Channel (United Kingdom v Albania) case, Merits, ICJ Reports, 1949, p 4.

<sup>47</sup> LaGrand case, above n 14.

<sup>48</sup> Elettronica Sicula SpA (ELSI) (United States of America v Italy) case, ICJ Reports, 1989, p 15.

نظامی و شبه نظامی در/علیه نیکاراگوئه،<sup>۴۹</sup> قضایای آزمایش های هسته ای،<sup>۵۰</sup> قضایای نسل کشی،<sup>۵۱</sup> قضایای کوزوو،<sup>۵۲</sup> قضیه احمدو سادیو دیالو<sup>۵۳</sup> و قضیه سکوه‌های نفتی<sup>۵۴</sup> همگی نمونه‌های این امر هستند. نقطه تمرکز این قضایا بر «حقوق ماهوی» است و نه بر مسئولیت دولت به عنوان پیامد نقض حقوق ماهوی.

## ۵ - خلاصه بحث و نتیجه گیری

بحث را چنین خلاصه می‌کنیم:

۱ - این امر غیرمعمولی نیست که در جایی که حقوق تعهدات (Law of Obligations)، مرکز توجه است حکم به غیرقانونی بودن و نیز پرداخت غرامت یا دیگر روشهای جبرانی (یا حفظ این حق برای مراحل آتی) مورد تقاضا باشد؛

۲ - به ندرت، حتی در این دسته از قضایا نیز حکم جداگانه مبنی بر مسئولیت مطلوب است، که معمولاً به عنوان خواسته تلویحی شناخته می‌شود؛

۳ - دیوان تاکنون هرگز در قضیایی که تمرکز اصلی آن بر حق مالکیت سرزمینی استوار بوده است، حکم به مسئولیت صادر نکرده است.

آیا واقعاً حکم به غیرقانونی بودن رفتار، شباهتی به درخواست حکم به مسئولیت دارد؟ پاسخ هم آری است و هم خیر. آری از این روی که حکم به رفتار غیرقانونی و تعیین روش جبران در شیوه امروزی ما برای نگرستن به تعهدات ماهوی و جبران نقض تعهدات، همگی «بخشی از حقوق مسئولیت» هستند. و از سوی دیگر خیر، زیرا در

<sup>49</sup> Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v United States of America) case: Jurisdiction and Admissibility, ICJ Reports, 1984, p 392; Merits, ICJ Reports, 1986, p 14.

<sup>50</sup> Nuclear Tests (Australia v France) case, ICJ Reports, 1974, p 253; Nuclear Tests (New Zealand v France) case, ICJ Reports, 1974, p 457.

<sup>51</sup> Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia-Herzegovina v Yugoslavia);

رأی این قضیه در سال ۲۰۰۷ صادر گردید. م. رک: <http://www.icj-cij.org/docket/files/91/13687.pdf>

Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Croatia v Yugoslavia).

رأی این قضیه در سال ۲۰۰۸ صادر گردید. م. رک: <http://www.icj-cij.org/docket/files/118/14913.pdf>

<sup>52</sup> Legality of Use of Force (Yugoslavia v Belgium); Legality of Use of Force (Yugoslavia v Canada); Legality of Use of Force (Yugoslavia v France); Legality of Use of Force (Yugoslavia v Germany); Legality of Use of Force (Yugoslavia v Italy); Legality of Use of Force (Yugoslavia v Netherlands); Legality of Use of Force (Yugoslavia v Portugal); Legality of Use of Force (Yugoslavia v United Kingdom).

جز دو مورد، در کلیه قضایای فوق دیوان عدم صلاحیت خود را به موجب آراء مورخ ۱۵ دسامبر ۲۰۰۴ اعلام نمود. در مورد دعاوی علیه آمریکا و اسپانیا، پس از قرارهای سال ۱۹۹۹، اقدام دیگری توسط دیوان انجام نگرفته است. م. رک:

<http://www.icj-cij.org/docket/index.php?p1=3&p2=3&k=25&case=114&code=yus&p3=6>

<sup>53</sup> Ahmadou Sadio Diallo (Republic of Guinea v Democratic Republic of the Congo).

رأی این قضیه در تاریخ ۳۰ نوامبر ۲۰۱۰ صادر گردید. م. رک:

<http://www.icj-cij.org/docket/files/103/16244.pdf?PHPSESSID=e2ab198b9ab4843bb04ba89b96b9acbb>

<sup>54</sup> Oil Platforms (Islamic Republic of Iran v United States of America); Preliminary Objection, ICJ Reports, 1996, p 803; Counter-Claim, ICJ Reports, 1996, p 803; Merits pending (for oral and written pleadings, see the Court's web-site:

<http://www.icj-cij.org/docket/index.php?p1=3&p2=3&k=0a&case=90&code=op&p3=1>).

دعاوی مختلف مرتبط با حقوق مسئولیت و در کار کمیسیون حقوق بین الملل، موضوع هنوز نیاز به کار بیشتری دارد. مسلماً ثبت دعوی بیشتر نزد دیوان و فقدان نیاز به یک «نقطه عزیمت» برای حرکت از «غیرقانونی بودن» به «جبران خسارت» مهم نیست. بگذارید به قضیه مرز زمینی و دریایی میان کامرون و نیجریه بازگردم تا ببینیم دیوان با دعاوی مسئولیت چگونه برخورد کرده است.

برای دیوان روشن بود که باکاسی متعلق به کامرون است. اما ادله ارائه شده توسط کامرون که بار اثبات وقایع مورد ادعا را برعهده داشت، به دیوان اجازه نداد که «تصویری روشن و دقیق» از سلسله رویدادهای مربوط به باکاسی ارائه نماید.<sup>55</sup>

متعاقباً دیوان ادعای کامرون در خصوص مسئولیت را رد نمود. ادعاهای متقابل نیجریه درباره مسئولیت راجع به باکاسی نیز به به دلایل مشابه مردود اعلام شد.<sup>56</sup> برای تعیین مرز طولانی میان کامرون و نیجریه، عمدتاً مباحث مطرح شده توسط نیجریه مورد حمایت دیوان قرار گرفت. دیوان آماده نبود که تقاضای کامرون مبنی بر حکم به مسئولیت در خصوص وقایع روی داده در طول مرز زمینی را «در کل» بررسی نماید و کامرون نیز تصمیم نداشت تک تک این رویدادها بررسی شود. دیوان مجدداً دریافت که دلایل کافی برای عرضه نتیجه ای جهانی در اختیار ندارد.

دیوان درباره حق مالکیت بر مناطق مورد اختلاف در دریاچه چاد به نفع کامرون رأی داد،<sup>57</sup> اما تصمیمی جداگانه راجع به مسئولیت اتخاذ نمود. پس از این استنتاجات، دیوان فوراً اعلام نمود که طرفین متعهدند با سرعت تمام از مناطقی که دیوان متعلق به آنها ندانسته است اعراض کنند؛ همچنین دیوان تمامی ادعاهای دیگر کامرون درباره مسئولیت دولت نیجریه و نیز ادعاهای متقابل مسئولیت از سوی نیجریه (علیه کامرون) را رد نمود. بدون شک تدبیر عمیق در ترکیب دادخواست های آتی دیوان نشان می دهد که دیوان در چنین شرایطی به رأی گیری بر اساس اجماع توجه داشته است.

<sup>55</sup> *Cameroon v Nigeria*, above n 2, para 322.

<sup>56</sup> *Ibid*, para 324.

<sup>57</sup> تأثیر دیوان بر تحدید حدود دریایی، خارج از زمینه این فصل است.